اصول گزینش همسر و نقش آن در تحکیم بنیان خانواده

پدید آورنده : هادی حسین خانی ، صفحه 33

نحوه پیوند و ارتباط زن و مرد به عنوان دو همسر از دیرباز مورد توجه صاحب نظران مسایل تربیتی بوده و هر یک بر اساس دیدگاه و بینش خود این ارتباط را به گونه ای ترسیم کرده اند، خداوند متعال به عنوان آفریننده زن و مرد، هر یک از همسران را «لباس» و پوشش طرف دیگر معرفی و در آیه 187 سوره بقره فرموده است:

«هُنَّ لِباسَ لَکُمْ وَ أنْتُمْ لِباس لَهُنَّ»

«آنها (زنان) برای شما [همچون] لباس اند و شما برای آنها [همچون] لباس».

در این تشبیه و با این بیان موجز خداوند رابطه زن و شوهر را رابطه فرد با پوشش و لباس خود دانسته و به این ترتیب تشبیهی بدیع و متفاوت با آنچه دیگران ارائه کرده اند، مطرح ساخته است.

اصول انتخاب همسر

از آنجا که قرآن کریم همسران را لباس یکدیگر دانسته است، گزینش همسر را نیز به انتخاب لباس تشبیه کرده است و داوطلبان ازدواج را به این نکته رهنمون می سازد که اصولی را که در خرید لباس مورد توجه قرار می دهند، در انتخاب همسر نیز با دقت بیش تری در نظر بگیرند. این اصول عبارت است از:

1. نیاز طبیعی انسان

نخستین موضوعی که از این تشبیه استفاده می شود، اصل نیاز طبیعی انسان به همسر است. همان طور که آدمی برای محفوظ ماندن از برودت و حرارت هوا نیازمند ساتری به عنوان لباس است و این نیاز طبیعی و برخاسته از ویژگیهای جسمانی او می باشد، برای در امان ماندن از بسیاری از آسیبهای روحی و جسمی نیز نیازمند پوششی به نام همسر بوده و این احتیاج نیز از مشخّصات واقعی انسان است که از سوی آفریننده حکیم در او به ودیعت نهاده شد و همچون لباس که آرامش بخش است، هر یک از زن و مرد نیز مایه آرامش دیگری به شمار آمده است.

(وَ مِنْ آیاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ اَنْفُسِکُمْ اَزْواجَا لِتَسْکُنُوا اِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً)

«و از نشانه های او این که همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید، تا در کنار آنها آرامش یابید و در میانتان مودّت و رحمت قرار داد.»

وجود همسر علاوه بر آرامش بخشی، حفاظت از همسر را نیز از ابعاد گوناگون تأمین می کند. در اینجا به برخی از این ابعاد اشاره می شود:

الف) حفاظت جسمی

هر فرد خود را در مورد سلامت جسمانی همسر خود مسئول دانسته و بیش ترین تلاش خود را در مراقبت از بهداشت و سلامت جسمانی او به کار می گیرد.

ب) حفاظت دینی

مراقبت از آسیبهای دینی همسر وظیفه دیگری است که قرآن کریم بر عهده افراد قرار داده است:

«یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا قُوا اَنْفُسَکُم وَ اَهْلَیْکُم نارا وَ قُودُها النّاسُ وَ الْحِجارَةُ

«ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگها است، نگاه دارید».

ج) حفاظت اخلاقی

قال علی (علیه السلام):

«اِذا رَایَ اَحَدُکُمْ اَمْرَأةً تُعْجِبُهُ فَلْیَأتِ اَهْلَهُ فَانَّ عِنْدَ اَهْلِهِ مِثْلَ ما رای فَلا یَجْعَلَنَّ لِلشَّیْطانِ عَلی قَلْبِهِ سَبیلاً لِیَصْرِفَ بَصَرَهُ عَنْها»

«هرگاه فردی از شما زنی [زیبا] را دید که او را به شگفتی وا داشت به نزد همسر خود برود چرا که همسر او نیز مثل همین خصوصیات را داراست، و اجازه نفوذ شیطان را به قلب خویش ندهد تا چشم خود را از آن زن برگرداند.»

روشن است که وجود همسر شایسته همچون لباس فرد از ابتلا به آسیبهای گوناگون اخلاقی محافظت می کند.

د) حفاظت مالی

از ویژگیهای مهم همسر مطلوب آن است که از اموال همسر خود به نحو شایسته ای مراقبت می کند. امام رضا (علیه السلام) در این خصوص فرموده است:

(ما اَفادَ عَبْدٌ فائِدَةً خیرا مِنْ زَوْجَةٍ صالِحَةٍ اِذا رَأها سَرَّتْهُ و اِذا غابَ عَنْها حَفِظَتْهُ فی نَفْسِها وَ مالِهِ»

«برای بنده فایده ای بهتر از این نیست که دارای همسری باشد که هرگاه او را می بیند، مسرورش سازد و در غیاب او از خود و مال همسرش حفاظت کند».

بر اساس موارد فوق، خداوند متعال نیاز به همسر را مانند نیاز به لباس، طبیعی و سرشار از برکات مادی و معنوی دانسته و پیشوایان دین با تأکید بر اصل همسر گزینی، مردان و زنان را از عزوبت بر حذر داشته اند.

قال رسول اللّه (صلی الله علیه و آله):

«رَذالُ مَوْتاکُمْ الْعُزّابُ»

«پست ترین مردگان شما افراد بی همسرند».

2. اصل اختیار

اختیار هر یک از دو طرف ازدواج، در گزینش همسر، اصل دیگری است که دوام و استحکام پیوند زناشویی به آن وابسته بوده و از تشبیه همسران به لباس نیز استفاده می شود. بدیهی است که فرد در انتخاب نوع لباس برای خویش آزاد است و می تواند در چارچوب قوانین و مقررات اجتماعی و با در نظر داشتن مصالح خود و جامعه، لباس مطلوب و دلخواه خود را انتخاب کند. بر همین اساس، اختیار و آزادی افراد در انتخاب همسر با رعایت مصالح فردی و اجتماعی و ملاحظه مقررات دینی و حکومتی امری روشن و پذیرفته شده است. اگر این باور را بپذیریم که انتخاب همسر همانند انتخاب لباس برای رسیدن به آرامش است، باید قبول کنیم که فرد در انتخاب خویش آزاد باشد و ازدواج تحمیلی نمی تواند آرامش مورد نظر را برای او فراهم سازد.

نکته جالب آن که در این آیه خداوند تنها زن را لباس مرد نخواند، چرا که اگر به همین حد اکتفا می کرد، مرد حکم بدن و زن تنها حکم لباسی را داشت که تنها ویژگی اش حفاظت، زینت و... مرد بود و خود وجودی تبعی و طفیلی پیدا می کرد. امّا خدای متعال همان طور که زن را لباس مرد نامید، مرد را نیز لباس و پوشش زن دانست و با این بیان علاوه بر آن که بر مساوات زن و مرد صحّه گذاشت، حق اختیار و انتخاب را نیز برای هر دو قایل شد و به زن نیز همچون مرد اجازه داد که همسر خود را با توجّه به علایق و رغبتهای خویش انتخاب کند و از پذیرش همسری تحمیلی که نه تنها موجب آرامش او نیست، بلکه سلب آرامش او را به همراه دارد، اجتناب کند.

امام صادق (علیه السلام) در روایتی بر موضوع اختیار در انتخاب همسر تصریح کرده و در پاسخ به ابن ابی یعفور که از آن حضرت پرسیده بود: می خواهم با زنی ازدواج کنم ولی پدر و مادرم فرد دیگری را در نظر گرفته اند فرمود:

«تَزَوَّجِ الَّتی هَوَیْتَ وَدَعْ الَّتی یَهْوی اَبَواکَ»

«با زنی ازدواج کن که خود می خواهی و زنی را که پدر و مادرت می خواهند رها کن».

البته این توصیه به معنی نادیده گرفتن دیدگاه والدین و بی اعتنایی به آنان نیست، بلکه فرزند لازم است نظرات آنان را به عنوان شفیق ترین افراد نسبت به خود ملاحظه کند، امّا با این وجود نباید در صورت بی رغبتی، تحت فشار والدین یا به منظور تکریم آنان، با فردی که مطلوب او نیست ازدواج کند، این گونه ازدواجهای تحمیلی یا شبه تحمیلی علاوه بر آن که برای خود فرد مخاطره آمیز است، نتیجه مطلوبی برای طرف مقابل نیز به همراه نخواهد داشت و به سلب آرامش از والدین فرد نیز منجر خواهد شد.

«ساعتها مشاوره با کسانی که قصد ازدواج دارند و شنیدن صحبتهای آنها، به من درسی ارزشمند داده است: نقش و نفوذ پدر و مادر بی آن که حتی کلمه ای به زبان بیاورند بسیار قدرتمند است. هر اندازه کسی دقیق و مراقب باشد به شکلی تحت تأثیر نظرات پدر و مادر خود قرار دارد؛ اگر پدر و مادر باهوش و مدبّر باشند هنگام انتخاب به همه اینها توجه می کنند. با فرزندانشان مشورت می کنند و مطالب مهم را در اختیار آنها قرار می دهند. امّا انتخاب به هر صورت بر عهده کسی است که قصد ازدواج دارد، در غیر این صورت مشکلاتی پیش می آید.»

سرانجام اگر فرد به این نتیجه رسید که همسر مورد نظر را به درستی انتخاب کرده ولی والدین و اطرافیان با این نظر مخالف باشند، باید:

- باز و پذیرا باقی بماند و خود را مسئول تصمیم گیری بداند؛

- عجله را کنار گذاشته، بی جهت شتاب نکند؛

- در زمانی مناسب از والدین و اطرافیان بخواهد که تمامی دیدگاههایشان را در میان بگذارند؛

- به دقت نظرات آنها را با نظرات خود مقایسه کند و ببیند که آیا زمینه ای هست که حق با آنها باشد؟ و اگر چنین است آیا تصمیم او را تغییر می دهد؟

- از مشورت با مشاوران متخصص در امور زناشویی ابایی نداشته باشد؛ چند جلسه مشاوره ممکن است سببی باشد تا از اتخاذ یک تصمیم مخرّب خودداری کند و یا سببی باشد تا با اطمینان خاطر به تصمیمی که گرفته است، عمل کند.

3. اصل تناسب

هماهنگی و وجود تناسب بین زن و مرد اصل مهمّ دیگری در تشکیل خانواده مطلوب است که از تشبیه زن و شوهر به لباس در آیه شریفه استفاده می شود. روشن است که لازم است بین فرد و لباس او تناسب و هماهنگی وجود داشته باشد و افراد تناسب را به عنوان یکی از مهم ترین ملاکهای گزینش لباس در نظر گیرند. این تناسب از ابعاد گوناگونی برخوردار است که به برخی از آنها اشاره می شود:

الف) تناسب جسمی

نخستین وجه تناسب که در انتخاب پوشش لحاظ می شود، تناسب اندازه فرد و لباس مورد نظر است. لباسی که به طور قابل ملاحظه ای تنگ یا گشاد باشد، به جای تأمین آرامش، به تشویش و نگرانی دامن می زند. بر این اساس، در انتخاب همسر نیز تناسب جسمی لحاظ می شود تا هم آرامش همسران تأمین شده و هم خانواده جدید از گزند تحقیر و تمسخر اجتماعی که خود از عوامل تزلزل خانواده محسوب می شود، در امان بماند.

البته همان طور که گاهی ممکن است فرد لباس تنگ یا گشاد را ترجیح داده و با آن احساس راحتی کند، می تواند اصلاً تناسب جسمی را در مورد همسر آینده لحاظ نکرده یا با وجود مدّنظر قرار دادن آن، به خاطر سایر ویژگیهای مثبت فرد، از این نوع هماهنگی چشم پوشی کند. در این شرایط، از اهمیّت تناسب جسمی تا حدّ زیادی کاسته شده و به رغم عدم این تناسب، فرد می تواند از زندگی موفقی برخوردار شود.

ب) تناسب سنّی

هر فردی مایل است که لباس خود را با توجه به اقتضائات زمانی انتخاب کند. به طور معمول، افراد لباسی را که متعلق به روزگار گذشته است، انتخاب نمی کنند و آن را با شرایط فعلی خود ناهماهنگ می دانند.

یک نوجوان با ویژگیهای روانی یک فرد سالخورده در اکثر زمینه ها قابل مقایسه نیست. بنابراین ازدواج یک مرد سالخورده با دختر نوجوان به دلیل تفاوت فاز روانی به سعادت و خوشبختی نمی انجامد. عروس جوان به علت عدم ارضای نیازهای روانی یا اقدام به طلاق می کند یا با دل مردگی در انتظار مرگ شوهر کهنسال خود روزشماری می کند.

مرد کهنسال نیز برای ارضای نیازهای همسر جوان خود، تظاهر به جوانی کرده و رفتارهای نامناسب با سنّ خود را به منصه ظهور می رساند.

از جنبه فیزیولوژیکی نیز خصوصیات نوجوان با فرد کهنسال کاملاً متفاوت است. مرد کهنسال به دلیل ضعف مفرط جسمی قادر به تأمین نیازهای جنسی همسر جوان خود نبوده و به این دلیل احساس حقارت می کند. به همسر جوان نیز احساس سرخوردگی و ملال دست می دهد.

بنابراین، لازم است موضوع تناسب سنّی، مورد توجه فرد داوطلب ازدواج قرار گیرد تا بدین وسیله زمینه آرامش همسران که هدف اصلی ازدواج است، فراهم گردد.

امّا این که تناسب سنّی تا چه میزان اختلاف سِنّی دختر و پسر را در بر می گیرد، بسته به شرایط گوناگون از جمله موقعیتهای جغرافیایی و عوامل فرهنگی متفاوت است؛ ولی در این موضوع یک نکته قابل ملاحظه است و آن این که در همه مناطق جهان و با در نظر گرفتن تمام شرایط طبیعی و اجتماعی، دختران زودتر به بلوغ طبیعی می رسند و فعالیت غدد جنسی در آنان قبل از پسران آغاز می گردد.

اتوکلاین برگ می گوید: دختران زودتر از پسران به بلوغ می رسند و ممکن است از پسران هم سن خود، از لحاظ قد و وزن، تا دوره بلوغ آنان پیش بیفتند.

بر این اساس، با توجه به این که منابع فقهی حداکثر فاصله بلوغ دختر و پسر را شش سال دانسته اند، به نظر می رسد تا فاصله سنّی شش سال نیز تناسب سنّی زوجین را تأمین می کند و بهتر است حداکثر فاصله سنی دختر و پسر بیش از شش سال نباشد؛ مگر آن که دو طرف آنقدر از جهات مختلف هماهنگ باشند، که این ناهماهنگی تأثیر عمده ای در تناسب کلّی آنان نداشته باشد.

ج) تناسب اعتقادی و اخلاقی

هر فرد برای تهیه لباس، تناسب لباس مورد نظر با اعتقادات و ارزشهای اخلاقی خویش را مدّ نظر قرار می دهد به طوری که لباس هر فرد نمایان گر نوع بینش، طرز تفکر و خصوصیات اخلاقی او محسوب می شود. از سوی دیگر نوع پوشش هر فرد تأثیرات متفاوت دینی و اخلاقی را در او رقم می زند. به عنوان مثال امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«عَلَیْکُم بِالصَّفیقِ مِنَ الثِّیابِ، فَانَّ مَنْ رَقَّ ثَوْبُهُ رَقَّ دینُهُ».

«لباس ضخیم بپوشید، چرا که هر کس لباس نازک (بدن نما) بپوشد، دین او نیز ضعیف می گردد.»

همین نسبت که ناهماهنگی بین مرد و لباس از لحاظ دینی و ارزشی، به ایجاد احساس روانی نامطلوب در او دامن می زند، عدم تناسب بین فرد و همسر او که لباسی دائمی است، مشکلات روانی وی را به دنبال می آورد و یا زمینه انحراف وی از عقاید و ارزشهای مورد نظر را فراهم می سازد.

بنابراین، تناسب اعتقادی مهم ترین تناسبی است که باید برای تشکیل خانواده مدّنظر قرار گیرد و اصولاً پیشوایان دینی آنجا که بحث تناسب و کفویت همسران را مطرح کرده اند، هم شأنی و هماهنگی دینی را مد نظر قرار داده اند.

متأسفانه در جامعه کنونی، واژه «کُفْو» که از تعابیر دینی و از بیانات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بوده و به معنی هم شأن در ایمان و دین است، معنی اصلی خود را از دست داده و بر خلاف دیدگاه نبیّ اکرم بر هر گونه تناسب به غیر از تناسب دینی اطلاق می شود! رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حدیث بسیار ارزشمندی جویبر را که فرد تازه مسلمان و به لحاظ دینی بسیار متدین ولی از لحاظ پایگاه اجتماعی اقتصادی ضعیف بود، به خواستگاری دختر زیاد بن لبید که شریف ترین مرد قبیله بنی بیاضه بود فرستاد. زیاد که از این پیشنهاد متعجب شده بود، به حضور رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسید و عذر خود را در عدم قبول این درخواست این گونه بیان کرد: ما تنها با افراد هم شأن خود از انصار ازدواج می کنیم. آنگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«یا زِیادُ! جُوَیْبِرُ مُؤمِنٌ وَ الْمُؤمِنُ کُفْوُ الْمُؤمِنَةِ وَ الْمُسْلِمُ کُفْوٌ لِلْمُسْلِمَةِ فَزَوِّجْهُ یا زِیادُ وَ لا تَرْغَبْ عَنْهُ»

«ای زیاد! جویبر مؤمن است و مرد مؤمن همتای زن مؤمنه و مرد مسلمان همتای زن مسلمان است. پس دخترت را به ازدواج او درآور و از او رو برمگردان.»

در این روایت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ملاک تناسب را امور دینی و اعتقادی دانسته است. آن حضرت ایمان را که اعتقاد قلبی همراه با اعتراف زبانی و عمل جوارحی است ملاک هم شأنی دو فرد مؤمن و اسلام را که اقرار زبانی است ملاک هماهنگی مرد و زن مسلمان دانسته است. به همین دلیل است که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که:

«لَوْلا اَنَّ اللّهَ خَلَقَ اَمیرَالْمُؤمِنینَ لِفاطِمَةَ (سلام الله علیها) ما کانَ لَها کُفْؤ عَلَی الارْضِ»

«اگر خداوند امیرالمؤمنین را برای فاطمه (سلام الله علیها) نیافریده بود، برای فاطمه هم شأنی در روی زمین وجود نداشت».

روشن است که کفو در اینجا تناسب اقتصادی و اجتماعی و... نیست چون در همان زمان افرادی بودند که از این لحاظ با حضرت فاطمه (سلام الله علیها) تناسب داشتند ولی به لحاظ اعتقادی، ایمانی و اخلاقی تنها امیرالمؤمنین از این تناسب برخوردار بود و به جهت اختلاف سطح ایمانی، حتی سایر مؤمنین نیز حایز این هماهنگی نبودند.

تاکنون به این نتیجه رسیدیم که مهم ترین مصداق تناسب در ازدواج، تناسب دینی و اعتقادی است. امّا با این وجود جوانانی هستند که ضمن درک اهمیت هم شأنی دینی، به منظور هدایت و رشد و ارتقای سطح دینی طرف مقابل، می خواهند با فردی ازدواج کنند که از این نظر از آنان به مراتب پائین تر است. آیا چنین ازدواجی توصیه می شود؟

پاسخ این سؤال را با تشبیه همسر به لباس می توان داد. ممکن است فردی لباس نامتناسب خریداری و هدف خود را ایجاد تغییر در آن لباس قلمداد کند. ایجاد تغییر در لباس دوخته شده هر چند ممکن باشد ولی بسیار دشوار و طاقت فرساست. پارچه ندوخته را می توان طبق مدل دلخواه طراحی کرد، ولی لباس دوخته شده به سختی تغییرپذیر است، ضمن آن که ایجاد تغییرات اساسی در آن، گاه غیر ممکن به نظر می رسد.

البته در صورتی که لباس مورد نظر انعطاف پذیر بوده و قابلیت پذیرش تغییر را داشته باشد و فرد خریدار نیز از تبحّر و مهارت لازم جهت طراحی و اجرا برخوردار بوده و حوصله لازم را به این منظور به کار برد، می توان امیدوار بود که تغییر مطلوب در آن لباس صورت پذیرد.

همچنین در موضوع ازدواج، در صورتی که فردی از سطح ایمانی پایین تری برخوردار است، امّا انعطاف پذیر بوده و حاضر شود تلاش خود را برای ارتقای سطح دینی خود به کار برد و نیز طرف مقابل از توانایی لازم جهت حفظ سطح ایمانی خود و افزودن در میزان تعهّد فرد دیگر برخوردار باشد و با سعه صدر در جهت نیل به این هدف بکوشد، می توان نتیجه مطلوب را برای این ازدواج پیش بینی کرد.

البته چون احراز این شرایط عملاً بسیار دشوار است، به جز در موارد خاص چنین ازدواجهایی توصیه نمی شود.

پی نوشتها:

1. سید جواد مصطفوی، بهشت خانواده، قم، دارالفکر، ص 334.

2. زن لباس است و هوش ثروت، همان، ص 333.

3. سوره روم (30) آیه 21.

4. سوره تحریم (66) آیه 6.

5. محمد بن الحسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسة آل البیت، 1412، ج 20، ص 105.

6. همان، ص 39.

7. همان، ص 19.

8. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1365، ج 5، ص 401.

9. وارن نیل کلارک، در جستجوی عشق زندگی، برگردان مهدی قراچه داغی، تهران، نشر اوحدی، 1377، ص 23.

10. همان، ص 184.

11. سید مهدی حسینی، مشاوره در آستانه ازدواج، تهران، مؤسسه انتشارات آوای نور، 1375، ص 71.

12. محمد تقی فلسفی، بزرگسال و جوان از نظر افکار و تمایلات، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1378، ج 2، ص 124.

13. اتوکلاین برگ، روان شناسی اجتماعی، ترجمه دکتر علیمحمد کاردان، تهران، نشر اندیشه، 1370، ج 1، ص 314.

14. روح اللّه الموسوی الخمینی، توضیح المسائل، قم، انتشارات جامعه مدرسین، مسئله 2252.

15. وسائل الشیعه، ج 4، ص 389.

16. الکافی، ج 5، ص 339.

17. همان، ج 2، ص 27.

18. مجمع البحرین، ج 6، ص 83، (ماده سلم)

19. محمد بن الحسن بن علی الطوسی، الامالی، قم، انتشارات دار الثقافة، 1414، ص 43.